

سوال

آیا عقیده‌ی امام ابوحنیفه اشکالی دارد؟ چون از بعضی مردم شنیدم که به عقیده‌ی ایشان ایراد می‌گیرند. لطفا در این باره توضیح دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی، بدون شک امامی از ائمه‌ی مسلمان است که اهل علم بر امامت و جلالت و مقام و منزلت ایشان اتفاق دارند.

علی بن عاصم می‌گوید: اگر علم ابوحنیفه را با علم اهل زمانش مقایسه کنند بی‌شک بر آنان برتری می‌یابد.

ابن مبارک - رحمه الله - می‌گوید: ابوحنیفه فقیه‌ترین مردم است.

شافعی - رحمه الله - می‌گوید: مردم در فقه عیال (وابسته‌ی) ابوحنیفه هستند.

خریبی - رحمه الله - می‌گوید: فقط حسود یا جاهل از ابوحنیفه ایراد می‌گیرد.

ذهبی - رحمه الله - رحمه الله می‌گوید: امامت در فقه و ظرایف آن از آن ابوحنیفه است و در این شکی نیست، و اگر روز نیازمند دلیل باشد دیگر هیچ چیز در ذهن مردم به صحت نخواهد رسید. سیرت وی را می‌توان در دو مجلد نگاشت. خداوند از او راضی باد و رحمتش کند. ایشان در سال ۱۵۰ در حال پایداری و با شهادت از دنیا رفت. (سیر أعلام النبلاء: ۶ / ۳۹۰ - ۴۰۳).

عقیده‌ی امام ابوحنیفه در باب توحید و اثبات صفات و رد بر جهمی‌ها و در باب تقدیر و صحابه رضی الله عنهم و دیگر مسائل بزرگ ایمان موافق با راه و روش سلف و دیگر امامان مذاهب است، به جز چند کلمه‌ی کوچک مانند سخن ایشان درباره زیاد و کم نشدن ایمان و سخن ایشان درباره‌ی ایمان که آن را تنها راست شمردن با دل و اقرار با زبان می‌داند و عمل را از حقیقت ایمان خارج می‌داند؛ هر چند سخن ابن عبدالبر و ابن ابی العز در این مورد گونه‌ای است که انگار ایشان از این عقیده‌شان بازگشته‌اند.

مراجعه نمایید به اعتقاد الأئمة الأربعة (صفحه‌ی ۳ - ۸) نوشته‌ی دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: همی امامان مشهور صفات الله متعال را اثبات می‌کنند و می‌گویند قرآن کلام الله است و مخلوق نیست و می‌گویند الله در آخرت دیده می‌شود؛ این مذهب صحابه و کسانی است که به نیکی از آنان پیروی کرده‌اند، چه از اهل بیت و چه دیگران، و این مذهب امامان مورد پیروی است، همانند مالک بن انس و ثوری و لیث بن سعد و اوزاعی و ابوحنیفه و شافعی و احمد بن حنبل و اسحاق... (منهاج السنة النبویة: ۲/ ۵۴).

عقیده‌ی طحاوی که توسط ابوجعفر طحاوی حنفی - رحمه الله - نوشته شده جز در برخی موارد اندک بر راه و روش اهل سنت است، به همین سبب میان علمای مسلمان و شاگردان آنان رواج داشت تا جایی که امروزه در بسیاری از دانشگاه‌ها و مساجد و مراکز علمی تدریس می‌شود.

طحاوی در مقدمه‌ی این کتاب می‌گوید:

این بیان عقیده‌ی اهل سنت و جماعت بر اساس مذهب فقهای امت: ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی و ابویوسف یعقوب بن ابراهیم انصاری، و ابوعبدالله محمد بن حسن شیبانی - رضوان الله علیهم اجمعین - و اعتقاد آنان در اصول دین است که بر اساس آن دین پرورگارش را ادا می‌کنند.

اما از آنجایی که بسیاری از پیروان امام ابوحنیفه [در قرون متاخر] بر مذهب اشعری‌ها و ماتریدی‌ها بودند بسیاری از موارد مخالف با عقیده‌ی سلف و بلکه مخالفت با اعتقاد خود امام حنیفه وارد این مذهب شده است. به همین سبب بسیاری از اعتقاداتی که به ابوحنیفه نسبت داده می‌شود از ایشان ثابت نیست و بلکه سخن برخی از پیروان مذهب اوست.

ابن ابی العز حنفی - رحمه الله - می‌گوید:

ظاهر آن است که این موارد مخالف [با عقیده‌ی سلف] از ابوحنیفه ثابت نشده، بلکه از برخی اصحاب [مذهب] است چرا که غالب آن ساقط [و بی ارزش] است و ممکن نیست ابوحنیفه به آن راضی باشد. (شرح العقیده الطحاویة: ۲۲۶).

شیخ ابن جبرین - رحمه الله - می‌گوید: ابوحنیفه و امامان چهار مذهب از خط سلف خارج نشده‌اند، جز اینکه ناگزیر هر یک از آنان دارای اشتباهاتی اندک هستند اما پیروان در یک وادی و امامان در یک وادی دیگرند.

بنابراین واجب است در مورد امامان مسلمانی که بر عدالت و جلالت و امامات آنان در دین [میان مسلمانان] اتفاق نظر است، از بیان سخنانی که حاوی ایراد و توهین است خودداری شود، چرا که گوشت علما مسموم است و هر کس سخنان پذیرفته یا رد می‌شود مگر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - [که همه‌ی سخنانش پذیرفته می‌شود]. برای مسلمان همین کافی است که عقیده‌ی صحیح را بداند و از آن پیروی نماید و هر آنچه در مخالفت با آن است را کنار بگذارد و سخنی نگوید که چه بسا طعنه یا توهین به یکی از فضیلت‌های امت و صالحان و علمای آن به حساب آید.

هنگامی که زهبی و ابن کثیر و دیگران مورخان اهل سنت شرح حال امام ابوحنیفه را نوشتند هیچ مساله‌ای را که موجب کسر شأن این امام شود ذکر نکرده‌اند، چرا که امام احمد و دیگران بر این نظر هستند که این [عقاید] از امام ابوحنیفه - رحمه الله - ثابت نشده و سپس این قضیه را مختومه اعلام کرده‌اند و امر آنان بر مقدم بودن امام ابوحنیفه و شهرت ایشان در امامت مستقر ماند.

شیخ عبدالرحمن المعلمی - رحمه الله - درباره‌ی کسانی که اینگونه مسائل را [در ایراد بر امام ابوحنیفه] یادآوری می‌کنند می‌گوید:

مقتضای حکمت در پیروی از چیزی است که اهل علم از حدود هفتصد سال پیش به آن اقرار نموده‌اند، یعنی پرده انداختن بر آن احوال و تبادل ثنا و ستایش (التنکیل: ۸ / ۱۰۱).

بر این اساس هیچکس اجازه ندارد در عقیده‌ی امامی از ائمه‌ی مسلمین مانند ابوحنیفه - رحمه الله - که مسلمانان به علم و فضل وی شهادت داده‌اند طعن وارد سازد و هر که چنین کند سزاوار مجازاتی است که او و امثال او را از این کار زشت باز بدارد.

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به کتاب **أصول الدین عند الإمام أبي حنيفة** نوشته‌ی دکتر خمیس - حفظه الله - مراجعه کنید.

برای شناخت بیشتر درباره‌ی مذهب امام ابوحنیفه - رحمه الله - پاسخ سوال شماره‌ی (46992) را بخوانید.

والله اعلم.